مردم سالاری دینی در ایران به غیر از برگزاری انتخابات،چه شباهت دیگری با دموکراسی دارد؟

دموکراسی از ریشه یونانی demos به معنای مردم و kratos به معنای حکومت گرفته شده است یعنی حکومت مردمی»[۱] امروزه این واژه به سیستمی از حکومت اطلاق می‌شود که بوسیلهٔ مردم و از طریق نمایندگان آنان اداره می‌شود.اصل فرضیهٔ دموکراسی بر پایهٔ برابری و مساوات و عدل اجتماعی و حضور فعال مردم در صحنه‌های سیاسی استوار است.پس با توجه به این تعریف از دموکراسی که عبارت بود از ارادهٔ آزاد انسان‌ها در انتخاب حاکمان خود و یا برکنای آنها و تعیین سرنوشت خود بدست خویش، و در واقع شیوهٔ حکومت مبتنی بر رأی اکثریت می باشد که این مطلب با روند حکومتی نظام اسلامی تفاوتی ندارد و حضرت امام خمینی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در این رابطه می‌فرمایند:

اینجا آرای ملت حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.»[۲] با توجه به فرمایش مذکور امام خمینی (ره) در وصیت‌نامهٔ ایشان، روشن گردید که «دموکراسی واقعی و حقیقی در اعتقادات امام (ره) با توجه به تأکید مکرر بر آرای ملت، کاملاً جای دارد.حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ایشان از رویهٔ پیامبر اکرم ــ صلی الله علیه و آله ــ و امام علی ــ علیه السّلام ــ الهام گرفته و متکی بر آرای عمومی است و نیز شکل حکومت با مراجعه به آرای عمومی ملت تعیین گردید و سپس حتی قانون اساسی که فقهای دین در تدوین آن نقش اساسی داشتند به رفراندوم عمومی گذاشته شد.» [۳]

با این اوصاف دموکراسی دارای شاخصه‌هایی است که لازم است با بررسی آنها به میزان دموکراسی درنظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب پی ببریم؛

شاخصهٔ اول:

«حضور فعال مردم در صحنه‌های سیاست است.بدین معنا که در تمامی ابعاد سیاست‌گذاری کشور.مردم حضور بالفعل داشته باشند و به صلاح دید آنان و به دست نمایندگان برگزیدهٔ مردم، چرخ سیاست به حرکت در آید و نیروی محرک، همان ارادهٔ مردمی باشد.»[۴] با مروری بر روند حضور مردم در ۱۶ دور انتخابات در کشور جمهوری اسلامی ایران که «نشان‌دهندهٔ ۷ دوره انتخابات ریاست جمهوری، ۵ دوه انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۳ دوره انتخابات خبرگان تعیین رهبری و یک دوره انتخابات شوراهای اسلامی کشوری است و میزان متوسط حضور مردم در تمایم این انتخابات ۶۰/۸۸ درصد می‌باشد.»[۵] که به گفتهٔ «اریک رولو» روزنامه‌نگار برجسته فرانسوی در گفتگویی با نوروز ۸۰/۱/۲۶، گرایش مردم ایران به مشارکت سیاسی و دموکراسی منحصر

به فرد است و حتی مردم فرانسه و آمریکا نیز به این شدت به مشارکت سیاسی و دموکراسی گرایش و توجه نشان نمی‌دهند.مثلاً در آمریکا فقط نیمی از مردم به انتخابات توجه نشان می‌دهند ودر فرانسه نیز ۳۰ تا ۴۰ درصد مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند.رولو که هم اکنون به عنوان استاد داشنگاه پرنیستون آمریکا در حال تدریس است افزود نکته قابل ملاحظه این است که در ایران علی‌رغم برخورداری از یک سابقه طولانی مدت، خودکامگی و استبداد، اکنون مردم خیلی آرام و بطور مسالمت‌آمیز، با حضور در پای صندوق‌های رأی، اعتقاد خود را به دموکراسی و نقش تعیین‌کننده خودشان در اراده امور نشان می‌دهند.

شاخصه دوم:

«برابری و مساوات همهٔ افراد ملت در برابر قانون است و سایهٔ عدالت، همه آحاد ملت را یکسان زیر پوشش خود قرار می‌دهد.»[۶] که این شاخصه نیز با مراجعه به قانون اساسی جمهوری اسلامی به وضوح قابل رؤیت است و حتی اقلیت‌های مذهبی نیز دارای حقوق برابر با شهروندان مسلمان ایران می‌باشند.اصل ۱۹ قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، اینها امتیاز نخواهد بود».اصل ۲۰ قانون اساسی نیز دارد «همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند...»

شاخصهٔ سوم:

«کارگزاران دولت در هر سه بعد، قانونگذاری، قضای و مجریه و رأس آن، مقام رهبری، مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شوند و این حق انتخاب برای همهٔ افراد ملت بطور مساوی و ثابت است»[۷] در این راستا در اصل ۶ قانونی اساسی آمده است که در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود.از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر قانون معین می‌گردد.همچنین اصل ۱۰۷ قانون اساسی در مورد تعیین رهبر می‌گوید:...تعیین رهبر به عهدهٔ خبرگان منتخب مردم است.»

شاخصه چهارم:

تأمین مصالح و منافع همگانی است که این نیز با توجه به برگزاری انتخابات برای تعیین مسئولین از طرف مردم، مبرهن است چنانچه در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است که «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست برگزیند.»

با توجه به شاخصه‌های مذکور دموکراسی واضح است که نظام جمهوری اسلامی یک نظام دموکراتیک یعنی متکی بر آرای مردمی بوده است و انتخابات به عنوان اصلی‌ترین شاخص دموکراسی، بزرگترین دغدغهٔ نظام بوده

و هست.اصولاً به اعتقاد عالمان سیاست، عناصر دموکراسی که از انتخابات منتج می‌شوند، بطور خلاصه عبارتند از «...۱.افزایش مشارکت مسالمت‌آمیز ۲.عقلانی‌سازی رفتار جمعی ۳.تقویت مبانی مشروعیت نظام.۴.قاعده‌مند نمودن انتقال قدرت سیاسی ۵.تعدیل روابط اپوزیسیون و دولت ۶.نهادمندی گروه‌های سیاسی.۷.افزایش رقابت سیاسی.۸.چرخش نخبگان سیاسی ۹.ایجاد و حفظ جامعهٔ مدنی ۱۰.فرهنگ سیاسی مشارکتی ۱۱.جامعه‌پذیری سیاسی.۱۲.افزایش احساس مسئولیت حاکمان در مقابل مردم ۱۳.خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی».[۸] پس با توجه به عناوین مذکور که منتج از انتخابات است و بدلیل وجود ۱۷ دوره انتخابات، جهت تعیین مسئولین نظام توسط مردم، درجه بالای دموکراسی در ایران اسلامی پس از انقلاب، کاملاً واضح و بدیهی می‌نماید.

در آخر باید این نکته را گوشزد نمائیم که این دموکراسی که مطرح گردید، در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که دموکراسی در تلفیق با اسلام می‌باشد و با دموکراسی لیبرال تفاوت بسیاری دارد «چه، ویژگی مهم دموکراسی لیبرال اباحی‌گری در امر قانونگذاری و دور افتادن آن جوامع از اخلاقیات است و در این نظام سیاسی تقنین و تشریح و قانونگذاری از آنِ ملت و منتخبان آن است و به هیچ وجه ملاحظهٔ اوامر و نواهی الهی نمی‌شود، بلکه صرفاً ملاحظه‌ای بشری برای نیل به یک سلسله اهداف عقلایی، محور قرار می‌گیرد.ولی جمهوری اسلامی از آغاز بر پایهٔ بینش ویژه‌ای از اسلام، حکومت می‌کند.جمهوریت کنونی در ایران حاصل و دستاورد انقلاب اسلامی است، انقلابی که اسلام و ایدئولوژی شیعی نیروی محرکه و عامل بسیج و تهییج رهبران و گردانندگان آن بود.»[۹] اصل دوم قانون اساسی نیز بیانگر این است که این نظام نظامی مبتنی بر پایه ایمان به خدا یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری مستمر، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداست، پس در این نظام شاهد پیوندی غلیظ بین خدا ــ مردم هستیم.

خاتمهٔ کلام این‌که، آگاهی از دستاورهای انقلاب و میزان مشارکت و دموکراسی در نظام جمهوری اسلامی ایران نیاز به دقت و توجه علمی ندارد، بلکه با نگاهی به اطراف خود نیز می‌توان به این امر روشن دست یافت.

پاورقی ها:

[۱].داریوش آشوری، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۸۸

[۲].امام خمینی، وصیت‌نامهٔ امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، ص ۲۷.

[۳].عاطفه پهلوان، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۸.

[۴].محمدهادی معرفت، جامعه مدنی، مؤسسهٔ فرهنگی و انتشاراتی التمهید، قم ۱۳۷۸، ص ۶۹.

[۵].آفتاب امروز، مروری بر روند حضور مردم در ۱۶ دوره انتخاب، ۷۸/۷/۲۶.

[۶].محمدهادی معرفت، جامعه مدنی،همان، ص ۷۰.

[۷].همان، ص ۷۲.

[۸].محبوب شهبازی، تقدیر مردم سالاری ایرانی، انتشارات روزنه، تهران:۱۳۸۰، ص ۳۲۹.

[۹].همان، ص ۲۲۶.